

مقایسه تطبیقی نظریه‌های شاخص در تعریف چیستی هنر اسلامی

محمدجواد مهدوی نژاد

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

الهه ایمانی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

بعد از ظهور اسلام، این دین از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر جامعه‌ها تأثیر گذاشت. هنر نیز تحت تأثیر این دین در این جامعه‌ها دچار تغییر و تحولاتی شد و با نام جدید «هنر اسلامی» شناخته شد. هنر اسلامی همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، بعد از ظهور اسلام (در سده هفتم میلادی) در دوره‌های تاریخی مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف ظهور و نشو و نمو کرد. محققان زیادی در مطالعات خود به معرفی این هنر در دوره‌های تاریخی مختلف و ارائه تعریفی از آن پرداخته‌اند و با ارائه مثال‌هایی تقریباً یکسان، تئوری و تعریف‌های متنوعی در این زمینه ارائه کرده‌اند. مروری بر تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده تاکنون، درباره هنر اسلامی و تعریف چیستی آن از مقدمات تحقق

یک برنامه عملی برای دستیابی به یک هنر فاخر و متعالی در روزگار معاصر است؛ زیرا که هنر بر جامعه‌ها و انسان‌ها بسیار تأثیرگذار است.

با بررسی دستاوردهای محققان در این زمینه، هشت دیدگاه و گرایش بازشناسی شده است: هنر سرزمین‌های اسلامی، هنر مسلمانان، هنر برگرفته از نصوص دینی، هنر هندسی و انتزاعی، هنر مقدس، هنر با محتوای دینی و هنر اسلامی که شامل همه موارد فوق است. این مقاله ضمن تحلیل نظریه‌های ارائه‌شده در زمینه هنر اسلامی، با روش استدلال منطقی با استفاده از تکنیک‌های توصیفی - تحلیلی به تبیین موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های هر یک از آنها در حوزه چيستی هنر اسلامی پرداخته است. دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که هرچند تعریف‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده تا حد قابل قبولی توانسته‌اند چيستی هنر اسلامی را به نمایش بگذارند، لیکن تفاوت میان تعریف‌های ارائه‌شده و مفهوم هنر اسلامی جدی است و اغلب آنها از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیستند.

کلیدواژه‌ها: هنر، هنر اسلامی، محتوای دینی، هنر مقدس.

مقدمه

یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی، هنر است، چراکه هنر در زندگی انسان‌ها بسیار تأثیرگذار بوده و هست. در حقیقت این هنر است که جامعه‌های انسانی را گاه به شکل آشکار و بیشتر مواقع به شکل پنهانی کنترل می‌کند و به آن شکل می‌دهد. از تمدن‌های اولیه تا به امروز، هنر بر زندگی‌ها تأثیر بسیار زیادی داشته است، به طوری که در بسیاری از مواقع، هنر در خدمت مذهب به کار گرفته شده تا مفاهیم مذهبی را بهتر انتقال دهند. گاهی با تغییر مذهب در تمدن‌های انسانی، هنر آنان نیز تغییر یافته است، همانند هنر اسلامی. تاریخ این مسئله را اثبات کرده است که هنر و مذهب بسیار به هم وابسته‌اند و در کنار یکدیگر باعث زنده ماندن و تداوم یکدیگر شده‌اند؛ به عبارتی هنر و مذهب در طول یکدیگر قرار دارند، نه در عرض هم.

هنر اسلامی همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، بعد از ظهور اسلام (در سده هفتم میلادی)

در دوره‌های تاریخی مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف ظهور و نشو و نمو کرد. این هنر از نظر بعد زمانی و مکانی و از نظر تنوع آثار چنان گسترده است که در هیچ تعریف خاصی نمی‌گنجد و تنها می‌توان ویژگی‌های خاصی را برای آن برشمرد. هنر اسلامی در واقع محصول تمدنی است که طی چندین قرن در قلمرو وسیع اسلام، از هند تا اسپانیا، شکوفا بود و سنت‌های هنری پایداری نیز به بار آورد (پاکباز، ۱۳۸۵/الف: ص ۷۲۵). مروری بر پیشینه پژوهش هنر اسلامی نشان می‌دهد که پژوهشگران زیادی تاکنون تلاش کرده‌اند مفهوم هنر اسلامی را تبیین کرده و یا در زمینه تعریف‌های ارائه شده در زمینه هنر اسلامی به پژوهش بپردازند، چراکه با شناخت هنر اسلامی بهتر می‌توان تأثیرات آن را بر تمدن‌های انسانی شناخت. به‌عنوان نمونه می‌توان به مهدوی‌نژاد (۱۳۸۱) و نقی‌زاده (۱۳۸۲) اشاره کرد که در این مقاله از مطالعات ایشان استفاده شده است.

ایران از جمله کشورهایی است که در آن اسلام به سرعت گسترش یافت و با سابقه فرهنگی و هنری‌ای که از خود داشت، هنرمندان آن به خلق و ابداع آثاری دست زدند که با روحیه اسلامی سازگاری داشت. بنابراین امروزه می‌توان به خوبی ادعا کرد که هنر اسلامی بخشی از هویت ماست و در ساخت تمدن ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. لذا توجه به این موضوع که یکی از تأثیرگذارترین عوامل در فرهنگ جامعه است و یافتن چستی هنر اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

«هنر اسلامی» واژه‌ای است که ابتدا مستشرقین آن را به کار برده‌اند و در این زمینه به کار تحقیق و تفحص دست زده‌اند. هنر اسلامی برای محققان غربی از سده نوزدهم میلادی و برای دانشمندان مسلمان تعلیم یافته در غرب طی چند دهه اخیر، موضوع تحقیق بوده است (نصر، ۱۳۷۵: ص ۷). این نام به وسیله سازندگان آن بازشناسی نشده است، بلکه واژه «هنر اسلامی» اولین بار در محیط‌های دانشگاهی انگلستان جامه تعریف یافت. بعد از آن، در آثار محققان فرانسوی که اولین کاوشگران آکادمیک آثار اسلامی هستند و سپس دیگر کاوشگران غربی انعکاس پیدا کرد و در نهایت به تعریف هنر و معماری اسلامی نیز تعمیم یافت (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸، مقدمه یعقوب آژند: ص ۱۰). بنابراین بازشناسی هنر اسلامی

و یافتن جواب چیستی هنر اسلامی ضروری است. شناخت ابعاد و ویژگی‌های شناختی هنر اسلامی، گامی اساسی در جهت حرکت به سوی بهره‌گیری از این چشمه جاری، در روزگار معاصر خواهد بود.

فرایند تحقیق

۱- هدف تحقیق

این مقاله کوشش دارد ضمن تجزیه و تحلیل و مقایسه نظریه‌های ارائه‌شده در تعریف هنر اسلامی، نسبت به تبیین چیستی آن اقدام کند، چراکه با بررسی چیستی هنر اسلامی و تعریف‌های ارائه‌شده بهتر می‌توان تأثیر اسلام بر هنر که باعث به وجود آمدن هنرهای اسلامی شده و سرانجام تأثیر هنر اسلامی بر جامعه‌های اسلامی را شناخت. براساس این چنین شناختی می‌توان نسبت به این تعریف‌ها موضع‌گیری کرد. بر مبنای چنین تحلیلی می‌توان مشخص کرد که نسبت به هر یک از این تعاریف، چه موضعی را می‌توان در جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد.

۲- سؤالات

- هنر اسلامی چیست و چه تعریف‌هایی را می‌توان برای آن ارائه کرد؟
- تعریف‌های ارائه‌شده در زمینه هنر اسلامی تا چه اندازه توانسته‌اند در تبیین مفهوم آن موفق باشند؟ و هر یک از آنها با چه نقاط ضعف و قدرتی روبرو هستند؟

۳- روش تحقیق

روش استدلال، منطقی با استفاده از تکنیک‌های توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد ساخت نظریه از طریق نقد نظریه‌های موجود به انجام می‌رسد. در این تحقیق، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

تعریف هنر اسلامی

هنر اسلامی توسط محققین مختلف به شکل‌های گوناگون تعریف شده است و هر یک ویژگی‌های مختلف و جنبه‌های گوناگونی را برای این هنر معرفی کرده‌اند که بیانگر خصیصه‌ای از خصوصیات آن به شمار می‌آید. اغلب تعریف‌ها نگاهی تقلیل‌گرایانه دارند، لذا موجب حذف برخی ویژگی‌ها شده و به برخی دیگر محوریت می‌بخشد. این روند موجب جدایی تأویل از متن اصلی می‌شود (Aston, 1991: p18). مطالعات انجام‌شده در این مقاله، متوجه هشت رویکرد اصلی هنرپژوهان به هنر اسلامی شده که در تعاریف ارائه‌شده توسط آنان، تعاریف جامع و مانعی نیستند و هر یک برای هنر اسلامی ویژگی و خصیصه‌هایی را بیشتر مورد توجه داده‌اند که باعث شده، هنوز انسجام امیدبخشی در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن به دست نیامده باشد. این مقاله هیچ‌یک از نظریه‌ها را رد نمی‌کند، بلکه در عین حال که تمامی تعریف‌ها را می‌پذیرد، با تحلیل این دیدگاه‌ها معتقد است که هیچ‌کدام از تعریف‌های ارائه‌شده برای هنر اسلامی، بیان‌کننده حقیقت این هنر و تأثیری که در جامعه‌ها داشته، نیست. هشت رویکرد اساسی عبارتند از:

۱- هنر سرزمین‌های اسلامی

این دیدگاه، هنر اسلامی را هنر سرزمین‌های اسلامی می‌داند. باربارا برنند در تعریف هنر اسلامی می‌گوید:

«هنری که در خدمت برای حکمرانان زمان یا جامعه فرهنگی‌دوست و اسلامی باشد. البته آثار هنری مورد بحث همواره هدف مذهبی ویژه‌ای نداشته و گاهی از این مقوله به دور بوده و حامیان و هنرمندان همیشه مسلمانان خوبی نبوده‌اند و گاه اصلاً مسلمان نبوده‌اند. به هر حال فرهنگی که در آن شکل می‌گیرد، تابع اندیشه مسلمانان است و این عمل به همراه عوامل جغرافیایی و تاریخی، تعیین‌کننده آنچه تهیه و پرداخته می‌شده، بوده است» (برنند، ۱۳۸۳: ص ۱۰).

بنا بر نظریات برنند که مطرح شد میتوان گفت وی معتقد است آثاری که در سرزمین‌های

اسلامی خلق می‌شوند، در تعریف هنر اسلامی جای می‌گیرند و این نوع هنر را باید اسلامی و نه هنر مسلمانان خطاب کرد و تفاوت‌های جزئی موجود بین آثار را مربوط به عوامل جغرافیایی و تاریخی می‌داند. همچنین کریستین پرایس همانند برنند، معتقد است که در این روش ممکن است حتی هنرمند نیز مسلمان نباشد. «هنر این صنعتگران که بسیاری از آنها هرگز به اسلام نگرویدند، با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام مبدل به شیوه‌هایی شد که امروزه به نام هنر اسلامی شناخته می‌شود» (پرایس، ۱۳۶۴: ص ۹). این گروه معتقدند که اسلام به بهترین شکل در آثار هنری سرزمین‌هایی که اسلام در آنها حاکم شده است، تأثیر گذاشت.

در این نگرش، اسلام اساساً دارای هنر و یا رویکردی هنری نیست، بلکه آنچه در سرزمین‌های اسلامی تا پایان قرن بیستم به وقوع پیوسته، هنر اسلامی شمرده می‌شود (Vernoit, 2000: pxi). حتی اگر سفارش‌دهندگان این آثار، خود مسلمان نباشند و یا کالای تولیدی در خدمت آرمان اسلامی نباشد الگ گرابر هنر اسلامی را مربوط به اسلام نمی‌داند و می‌گوید که هیچ رابطه‌ای میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد (Graber, 1987, p11) همچنین وی به همراه ریچارد اتینگهاوزن هنر اسلامی را مربوط به خلافت می‌دانند: وقتی به هنر، تعبیر «اسلامی» اطلاق می‌شود، به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند و یا در فرهنگ‌ها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند (اتینگهاوزن و الگ گرابر، ۱۳۷۸: ص ۱) برخی همانند گاستون وایه هنر اسلامی را هنری التقاطی و غیراصولی می‌داند که از ترکیب تکنیک‌ها و تم‌های کشورهای تسخیرشده که تابع قانون اسلام بودند، به وجود آمده است و می‌گوید: «لذا هنر اسلام باید مجموعه هنرهایی را شامل شود که در کشورهای تولید شده‌اند که تابع قانون اسلام بوده‌اند و امرای مسلمان بر آنها حکم می‌راندند» (وایه، ۱۳۶۳: ص ۱۸).

۲- هنر مسلمانان

در این نگرش، هنرمند و به وجود آورنده اثر مورد اهمیت واقع می‌شود. این نگرش، هنر اسلامی را هنر هنرمندان مسلمان معرفی می‌کند. (The Dictionary of Art, 1996: p94) در این نگاه، هنر اسلامی وجودی ماهوی ندارد، بلکه نامی است که به وسیله آن، آثار هنرمندان مسلمان بازشناسی می‌شود. این روش توجیه مناسبی برای تنوع آثار هنر اسلامی ارائه می‌کند که آن، گونه‌گونی مسلمانان در مناطق مختلف است (Hoag, 1979: p7). پیشرفت تکنیک‌های هنری با پیشرفت مسلمانان هماهنگ بوده و این برهانی دیگر بر استواری این اندیشه تلقی شده است (Atasoy, 1990: p7). پذیرش این امر که هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، باعث حضور بازه گسترده‌ای از آثار هنری در این زمره شده است. از بزرگان این گروه می‌توان به دیمر و توماس آرنولد اشاره کرد. آرنولد معتقد است، هنر اسلامی والاترین جایگاه را در میان دستاوردهای فعالیت‌های هنر بشر به دست آورده است و بالاترین جایگاه در میان هنرهای موجود بین مسلمانان، هنر خوشنویسی است که این هنر بین آنها رشد و ترویج پیدا کرد و این هنر را هنرمندان خارجی نمی‌توانند انجام دهند، بلکه حتماً باید توسط مسلمانان انجام شود (Arnold, 1965, p21). در این دیدگاه، اعتقاد بر این است که هنر اسلامی به بهترین شکل به دست مسلمانان به شکوفایی می‌رسد.

۳- هنر برگرفته از نصوص دینی

در این دیدگاه، هنر اسلامی هنری است که مستقیماً از دستورات قرآن کریم و یا روایات اسلامی به دست آمده باشد. برخلاف دیدگاه قبلی، هنر اسلامی بیشتر وجودی غیر زمینی و ریشه در عالم روحانی و معنویت دارد و به هم پیوستگی سیر تکاملی این هنر، خارج از اختلافات مکانی و زمانی را اشتراک مذهب دانسته‌اند. اشتراک در اعتقادات دینی، در اینجا تأثیری قوی‌تر از آنچه در دنیای مسیحیت وجود دارد، بر فعالیت‌های فرهنگی ملل مختلف داشته است (کونل، ۱۳۵۵: ص ۶). چیزی که در این فعل و انفعال، بیش از همه برای ایجاد وحدت و پاسخ به جمیع مسائل زندگی قاطعیت داشت، قرآن بود. مبنای

اصلی این تفکر به کامل بودن قرآن است و می‌گویند که انسان تمام نیازهای خود را می‌تواند در قرآن^۱ بیابد، چنان‌که کارل جی دوری می‌گوید: «هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشأ فعالیت مسلمانان در جهان است و اصولاً توحید، مایهٔ ربط هنرمند با هنرش است و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گران‌قدر الهام می‌گیرد و آن قرآن است» دوری، ۱۳۶۸: ص ۳). در ادامه، قرآن را به‌عنوان تنها منبع قابل اعتماد برای هنرمند مسلمان و محور اصلی در بازخوانی هنر اسلامی معرفی می‌کند. بورکهارت می‌گوید: «هنر بصری اسلام فقط انعکاس بصری کلام قرآنی است و جز این نیست» (بورکهارت، ۱۳۷۶/الف: ص ۷۷). حسین نصر دیگر محقق بزرگ، در این زمینه معتقد است که برای یافتن سرمنشأ اصول وحدت‌بخش هنر اسلامی که این‌چنین در گسترهٔ وسیع زمان و مکان گسترده شده است، باید به باطن دین اسلام رجوع کرد (نصر، ۱۳۷۵: ص ۱۲).

در برخی از دایرةالمعارف‌ها با چنین تعریف‌هایی مواجه می‌شویم: مبانی و دستورات دینی هرگز از طرف یک مسلمان مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، از این‌رو امکان چالش میان هنرمند و آموزه‌های دینی وجود ندارد و آنچه در نهایت تعیین‌کنندهٔ شاخصه‌های پذیرفته‌شده و عمومی‌اند، سنت و قرآن است (Encyclopedia of World Art, 1963, V.III: p332). از این‌روست که در برخی از دایرةالمعارف‌ها متن قرآن، یگانه مرجع هنر اسلامی معرفی شده است. در این حالت، قرآن تنها یک کتاب دینی مشتمل بر نشانگان مذهبی نیست، بلکه منبعی است برای تمام زندگی که هر عنصر اسلامی باید موبه‌مو برگرفته از دستورات آن باشد (Dictionnaire Encyclopedique, 1934,; p3122). در این تعریف هنر اسلامی همان هنر قرآنی است و... (Grand Larousse Encyclopedique, 1962, V.6: 243) که هنرمندان براساس تعالیم آن، دست به هنرآفرینی می‌زنند.

۱. در آیهٔ ۵۹ سورهٔ انعام آمده: هیچ‌تر و خشکی نیست، جز آنکه در کتاب مبین (قرآن مجید) مسطور است. از این آیه چنین استنباط می‌شود که قرآن شامل تمامی نیازهای انسان و شامل قوانین و سنن حاکم بر جهان است.

۴- هنر عربی

در این دیدگاه، هنر اسلامی ملهم از پشتوانه اندیشه‌های عربی قبل از اسلام است و یا هنری که به واسطه زبان عربی، به عنوان واسطه تماسی قرآن مجید باشد، هنر اسلامی خوانده می‌شود؛ همچنین هنری که به واسطه اعراب گسترش یافت و در مکان‌های مختلف تأثیر گذاشت. گاستون وایه می‌نویسد: «از آغاز قرن هفتم میلادی خطر جدیدی در اروپا به وجود آمد، خطر عرب‌ها؛ آنها با تسخیر متصرفات شرقی امپراتوری بیزانس در سال‌های ۶۳۳ تا ۶۹۸ ضربه مرگباری به آن وارد کردند. عرب‌ها به اروپا از طریق اسپانیا حمله بردند، اما سرانجام در سال ۷۳۲ توسط شارل مارتل متوقف شدند. تنها قسمتی از اروپا که از سنت‌های عرب در آن نفوذ کرد، اسپانیا بود و می‌توان به هنر مودجار که بعد از فتح مجدد اسپانیا باقی ماند، اشاره کرد (هنری که توسط عرب‌های مسیحی شده اسپانیا بعد از فتح مجدد اسپانیا تکامل یافت.» (وایه، ۱۳۶۳: ص ۸۹). علاوه بر آن، کتیبه‌های سردر مساجد و اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی که اکثر آنها به خط ثلث و یا نسخ عربی هستند، تأکیدی بر این دیدگاه است.

تالبوت رایس هنر اسلامی را برساخته از نگره‌های عربی، ابرانگاره‌های اسلامی در سال‌های ابتدایی پیدایش اسلام می‌خواند، از این رو برای آن پیشینه‌ای عربی قائل می‌شود (Talbot Rice, 1986: p7). حضور زبان عربی به عنوان ابزار رسانه‌ای وحی، باعث شده است عده‌ای از متفکران اسلامی از آن با عنوان زبان مقدس و یا عنصر اصلی هنر اسلامی یاد کنند (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۵۱). در این نگرش، پژوهشگران برای این هنر، پیشینه‌ای عربی معرفی می‌کنند و بسیاری از اصول و مبانی هنر اسلامی را به نگره‌های عربی و اغلب به قبل از اسلام و سنن شبه جزیره عربستان ارجاع می‌دهند.

۵- هنر هندسی و انتزاعی

اغلب پژوهشگرانی که هنر اسلامی را در نقش مایه‌های آن جستجو کرده‌اند، در این نگرش جای می‌گیرند. این دیدگاه، هنری را اسلامی می‌داند که از یک سری تکنیک‌های

خاص و یا عناصر تزئینی مشخص مانند شمشه، چلیپا و غیره استفاده کند (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ص ۲۸). در این نگاه، هنر اسلامی، گاهی تا مرز یک‌سری نگاره و نقش‌مایه تقلیل می‌یابد (Pinder, 1985: p2). در واقع به دلیل استنباطی که از آیات قرآن برای ممنوعیت کشیدن تصاویر قائل بودند، باعث شد که هنرمندان از کپی کردن طبیعت روی بگردانند و به طرح هندسی متمایل شوند. اسلام از توحید یعنی پذیرش وحدت الهی و احدیت سرچشمه می‌گیرد. احدیت در حالی که به غایت، عینی و انضمامی است، به نظر اسلام تصویری انتزاعی می‌نماید و این امر مبین خصلت انتزاعی هنر اسلامی است (بورکهارت، ۱۳۷۶/الف: ص ۱۳۱) و هیچ تمثیل و رمزی در جهان مشهودات برای بیان پیچیدگی درونی وحدت و انتقال از وحدت تقسیم و تکثیرناپذیر به وحدت در کثرت و کثرت در وحدت بهتر از سلسله طرح‌های هندسی در یک دایره یا کثیرالسطوح‌ها در یک گره نیست (بورکهارت، ۱۳۷۶/الف: ص ۵۷). بنابراین در این دیدگاه، هنرمند مسلمان، هنر انتزاعی را بیانگر قانونی می‌داند که به مستقیم‌ترین وجه، وحدت در کثرت را نمودار می‌سازد. در این زمینه گاهی تکنیک و روش‌های کارآیند، یک معنا را مهم‌تر از خود معنا معرفی می‌کند.

۶- هنر مقدس

در این نگاه، هنر اسلامی هنری است که برگرفته از استعارات و مفاهیم مقدس اسلام است. موضوع حائز اهمیت در این نگرش، نحوه برخورد و عملکرد ویژه آن با رمزگرایی و یا نمادگرایی یا چگونگی انتقال مفاهیم است (برند، ۱۳۸۳: ص ۲۲۷). شالوده این نگره، بر مقدس دانستن برخی اعداد یا فرم‌هاست. دریافت تقدس کعبه^۱ از شکل

۱. نام کعبه به معنی مکعب است. البته کعبه یک مکعب کامل نیست، بلکه یک مکعب مستطیل است که درازای آن شانزده متر است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۱۸). مکعب، خالص‌ترین فرم جهانی است. مربع به عنوان پایدارترین کهن‌الگوی انسانی، مبنای برپایی کعبه و شالوده ساختاری آن است. کعبه از شاهکارهای تناسب‌ادراکی در جهان معماری است، زیرا علی‌رغم عدم تساوی طول، عرض و ارتفاع آن، تجسمی خالص و پایدار از یک مکعب را پدیدار می‌سازد. مکعب جلوه‌گاه ظهور خطوط موازی در بستری کالبدی و روحانی است. خطوط موازی یادآور حرکت مستقیم، بدون انحراف و پا برجا به سوی هدفی متعالی و فراتر از تصورات انسانی است.

مکعبی آن (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۱۷)، تقدس حجرالاسود به خاطر فرود آمدن از آسمان و یا تبرک جامهٔ مخملین کعبه به سبب آداب مقدس جامه پوشانی (همان: ص ۱۸)، تزئین گیاهی پیام آور بهشت (برند، ۱۳۸۳: ص ۲۲۸) و یا قرارگیری گنبد بر روی ساختار مکعبی شکل، نماد هیبت و عظمت آسمانها بر بالای زمین (همان: ص ۹) از مثالهای روشن این رویه‌اند.

رویکردهای این نحله از یک سو منجر به شکل‌گیری اعداد مقدس به عنوان پایهٔ طراحی و از سوی دیگر منجر به روایت‌گری نشانه‌گرا در فرایند طراحی شده است. مقدس شناختن قبة الصخره^۱ به سبب اعداد مقدس (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۲۶) و یا اسلامی دانستن تزئینات محراب و اجازه بهره‌گیری از نگارگری، در دیوار محراب به سبب خصوصیات نشانه‌ای آن (هیلن براند، ۱۳۷۷: ص ۵۴) و تقدس چراغ محراب به سبب تجلی بارتعالی (همان)، مثالهای روشنی از این نوع نگرش به هنر اسلامی‌اند. پس به نظر می‌رسد که بسیاری از خصیصه‌های هنر اسلامی، به ماورای جهان ظواهر، به سوی جهان آخرت اشاره دارند، اما این نمادها غالباً دلالت ضمنی داشته و کلیت آن بیشتر از معنای نمادین آنهاست (برند، ۱۳۸۳: ص ۲۲۸).

حسین نصر در این زمینه می‌گوید:

«هنر اسلامی همواره در پی آن بوده است تا فضایی بیافریند که در آن بر سرشت موقت و گذرای اشیای مادی تأکید شود و تهی بودن اشیا مورد توجه قرار گیرد. پروردگار و تجلیات او با هیچ مکان و زمان یا شیء خاصی یکسان پنداشته نمی‌شود، لذا حضور او فراگیر است؛ همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: پس به هر طرف که رو کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید (بقره: ۱۵). بنابراین تهی بودن در هنر، مترادف تجلی امر مقدس می‌شود» (نصر، ۱۳۷۵: ص ۱۸۱-۱۸۰).

۱. قبة الصخره در اورشلیم در میان سال‌های ۶۹ و ۷۲ قمری (۶۹۲-۶۸۸ م) ساخته شده است. دیوارهٔ استوانه‌ای تکیه‌گاه بر چهار جرز و دوازده ستون استوار است و دالان پیرامون گنبد بر هشت جرز و شانزده ستون که در جمع می‌شود، چهل ستون عنصر حمال (باربر). عدد چهل عدد بسیار مقدسی است، زیرا شمار پاکانی که به گفتهٔ پیامبر اکرم (ص) ستونهای جهان در همهٔ اعصار هستند، برابر چهل است.

۷- هنر با محتوای دینی

این دیدگاه، هنر اسلامی را هنری می‌داند که انتقال‌دهنده مضامین الهی و اسلامی است. لذا این هنر باید در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم قرار گیرد، تا بتوان آن را اسلامی نامید؛ به عبارت دیگر «هنر دینی چه از سبک تجرید و بیان رمز و تمثیل بهره‌مند باشد و چه رمز و نماد و تمثیل را از طریق اشکال و تصاویر فیگوراتیو (ساختوار) به نمایش گذارد، چه از طریق باز نمود طبیعت و واقعیت محض، آن را بیان کند، در هر حال تجربه زیباشناختی از امر قدسی است و این امر آن جوهر اصلی هرگونه تعریف هنر دینی است» (ره‌نورد، ۱۳۷۸: ص ۱۶). با چنین تعریفی، هنر اسلامی هنری است حاکی از تجلی عوالم برتر در ساخت‌های نفسانی و دینی (نصر، ۱۳۷۵: ص ۳۸).

با این نگرش، هنر با تقدس خویش دنیای مادی را سرشار از پیام‌های ایزدی می‌کند (Eliade, 1987: p12) و بهترین راه برای تحقق چنین امری آن است که هنر دربرگیرنده مضامین بلند قرآنی شود. از آیه ۴۱ سوره الرحمن، «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ»، چنین استنباط می‌کنند که شمایل‌نگاری مجاز است، به شرط آنکه دربرگیرنده محتوای دینی متناسب با آن باشد (ره‌نورد، ۱۳۷۸: ص ۸۷) بورکهارت می‌نویسد: «نهی تصاویر در اسلام به طور کامل و فقط مربوط به نگاشتن تصاویر الوهیت می‌شود... نهی چهره پیامبران و رسل به سبب احترام و غیر قابل تقلید بودن ایشان است» (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۴۰). در این دیدگاه، یک اثر زمانی هنر اسلامی تلقی می‌شود که بیان‌کننده مفاهیم قرآنی و پیامبران باشد.

۸- هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه، هنر اسلام را شامل تمامی این نظریات و یا گزیده‌ای از عناوین فوق می‌کند (ره‌نورد، ۱۳۷۸: ص ۶۱-۵۰) و گاهی حرکتی محافظه‌کارانه‌تر، تمام این عناوین را در قالب بستاره‌های هنر اسلامی، بازتعریف می‌کند. در طرف مقابل، گروه دیگر وجود دارند که درصدد گردآوری اشتراکات گروه‌های پیش‌فرض و تعریف سامان‌های جدید برای

هنر اسلامی‌اند. در این رویکرد، یک اثر اسلامی تعریف یافته از صفات متمایز و گوناگون، تحت عنوان ویژگی‌های هنر اسلامی تلقی می‌شود. این گروه برای زیبایی‌شناسی هنر اسلامی ویژگی‌هایی از جمله: شماری از دوگانگی‌ها (از جمله معقول و احساساتی، نور و سایه، سادگی و پیچیدگی و...)، ویژگی تفهیم عمیق نظم، رمزگرایی و نمادگرایی را برای آن برمی‌شمارد (برند، ۱۳۸۳: ص ۲۲۶).

تحلیل و نتیجه‌گیری

۱- نظریه‌های موجود

پس از توضیح و معرفی هشت دیدگاه، در این بخش، یک‌یک نظریه‌های مطرح شده از نظر جامع و مانع بودن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

الف) دیدگاه هنر سرزمین‌های اسلامی

درست است که اکثر هنرهای اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌هایی که حاکمان آنها افرادی مسلمان بوده‌اند و یا مسلمانان در آن سرزمین زندگی می‌کرده‌اند، به وجود آمده است، اما تمامی آثار هنری که در این سرزمین‌ها به وجود آمده، جزو آثار هنر اسلامی نیستند. برای اثبات اینکه هر ساخته هنری در سرزمین‌های اسلامی جزو هنرهای اسلامی نیست، کافی است مکتوبات طرفداران این نظریه مورد بررسی قرار گیرد. در اغلب این تألیفات، شمار خاصی از آثار برگزیده شده‌اند، به‌عنوان نمونه همگی آنان به مساجد اسلامی اشاره کرده‌اند. این نکته گواه بر این است که تنها برخی از آثار دوره اسلامی را می‌توان جزو هنر اسلامی دسته‌بندی کرد. حذف پیوستار معنایی - زمانی و تقلیل آن به دوره‌های تاریخی، مسئله دیگری است که در این روش، بدون پاسخ مانده است. به عبارت دیگر، هنرهای متأثر از اسلام را می‌توان در سرزمین‌های غیراسلامی مشاهده کرد و همچنین هنرهای غیراسلامی را می‌توان در سرزمین‌های اسلامی نظاره‌گر بود. بنابراین این دیدگاه نه جامع و نه مانع است.

ب) دیدگاه هنر مسلمانان

این نظریه که هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، تاکنون به وسیلهٔ عدّه زیادی از پژوهشگران اسلامی به شیوه‌های متفاوتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این تعریف از هنر اسلامی، نه جامع است و نه مانع. به عبارتی دیگر، بسیاری از فعالیت‌های هنری مسلمانان را نمی‌توان جزو هنر اسلامی طبقه‌بندی کرد. همان‌گونه که ممکن است اثری هنری، اما غیراسلامی، از مسلمانان دیده شود. همچنین آثاری وجود دارد که به وسیلهٔ غیرمسلمانان به وجود آمده است. از این رو بازشناسی هنر اسلامی به‌عنوان هنر هنرمندان مسلمان، کلی‌نگر و غیردقیق است. لذا این دیدگاه با وجود اینکه تعریفی جامع ارائه می‌دهد، اما مانع نیست.

ج) دیدگاه هنر برگرفته از نصوص دینی

عده‌ای در این زمینه به تندروی‌هایی نیز دچار شده‌اند، تا آنجا که خود مجبور شده‌اند این نگرش افراطی را نامناسب معرفی کنند. این نگرش در سه مرحله با مشکل روبه‌رو می‌شود:

۱- نخست آنکه در بسیاری از موارد، دستورات در قرآن مجید ثبت نشده است. به‌عنوان نمونه در تورات، دستور ساخت کشتی^۱، نحوهٔ کف‌سازی هیکل و غیره آمده است؛ ولی در قرآن دستورات مشابهی از آن دیده نمی‌شود. در این حالت لازم می‌آید که تورات کامل‌تر از قرآن تلقی شود، در صورتی که قرآن جامع‌تر از تورات است و پرداختن به

۱. و خدا به نوح گفت: انهدام تمامی بشر در حضورم آمد، زیرا که از ایشان زمین پر از ظلم شد، پس اینک من ایشان را با زمین نابود خواهم ساخت (۱۴) و به جهت خود، کشتی از چوب گوفر بساز و در آن کشتی حجره‌ها ترتیب نما و آن را از اندرون و بیرون به زفت اندود کن (۱۵) و آن را به دین اسلوب بساز. طول آن کشتی سیصد ذراع و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاعش سی ذراع (۱۶) و به آن کشتی پنجره بساز و آن را از بالا به یک ذرع تمام کن و به جنب کشتی دری بگذار و طبقهٔ تحتانی و دومین و سومین بساز (۱۷) و اینک من طوفان را به زمین می‌آورم تا آنکه تمام بشر را که روح حیات در اوست، از زمین و آسمان‌ها هلاک سازم و هرچه در زمین است، خواهد مرد (۱۸) (کتاب اول حضرت موسی، معروف به سفر تکوین مخلوقات، فصل ششم: آیات ۱۸-۱۴) (ترجمهٔ فاضل‌خان همدانی، ۱۳۸۰: ص ۱۱).

جزئیات نشانه جامعیت نیست. به همین دلیل انتظار نمی‌رود هرآنچه از هنر اسلامی انتظار داریم، در متن قرآن به صراحت روی آن تصریح شده باشد.

۲- وقوع دگرگونی‌های تکنولوژیک امکان اجرای دستوری ثابت در طول زمان را منتفی می‌سازد، درحالی‌که اسلام دینی است برای تمامی دوران و لازم است دستورات آن در همهٔ زمان‌ها ارزشمند باقی بماند.

۳- تنوع نژادی، اقلیمی و منطقه‌ای مسلمانان پرشش بی‌پاسخ دیگری در این زمینه است. اگر قرار باشد قرآن دستورات ثابتی بدهد، دیگر در همه‌جا قابل اجرا نبوده و جهان‌شمول بودن تعالیم الهی اسلام، زیر سؤال خواهد رفت (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ص ۲۵). بنابراین این دیدگاه درست و مانع است، اما جامع نیست.

د) دیدگاه هنر عربی

همان‌طور که گفته شد، پژوهشگران این گروه برای هنر اسلامی پشتوانه‌ای عربی معرفی می‌کنند. وضعیت هنری شبه‌جزیرهٔ عربستان پیش از اسلام کاملاً مشخص است و تصور اینکه آداب و سنن آن مایهٔ شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شود، به کلی مردود است. دستور عادت ضدشماپیل‌نگاری و پیکره‌سازی در عرب دورهٔ جاهلی نیز براساس شواهد موجود غیرممکن می‌نماید (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۱۹) و آنچه در سراسر سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده است، خود زبان عربی نیست، بلکه کلام وحی است و در بناهای اسلامی، منسوجات، سفال‌ها و نقشینه‌های چوبی، این کلام وحی است که خودنمایی می‌کند و نه زبان عربی و اگر زبان عربی رونق یافته، به سبب جریان آن است. برای اثبات این سخن، بعد از انتقال اسلام به هند توسط ایرانیان، آثار زیبایی به زبان فارسی در هند به وجود آمد، به طوری که نسخه‌های خطی فارسی هند بعد از ورود اسلام به آنجا بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است (آزادبخت، ۱۳۸۷: ص ۷۹). همچنین خط نستعلیق در هند، خط مقدسی است و گاهی برای کتابت قرآن و برخی کتیبه‌های سردر مساجد به کار می‌رود. بنابراین این تعریف جامع و مانع نیست.

ه) دیدگاه هنر هندسی و انتزاعی

در این دیدگاه، هنر اسلامی بیانگر نظم‌ی بود که وحدت در کثرت را به وسیله نقوش هندسی و انتزاعی بیان می‌کرد. از نظر گاستون وایه این نوع تزئین به وسیله اسلام ابداع نشد، بلکه مسلمانان آن را با نتایجی غیرمنتظره اجرا کردند (وایه، ۱۳۶۳: ص ۶۳). نقش مایه اسلیمی و نگاره‌های هنری، همزاد اسلام نیست، پس نسبت دادن یک فرم به هنر اسلامی، امری غیرقابل قبول است. نقش اسلیمی دیرینه‌ای طولانی دارد، این نقش که برگرفته از تاک است، در آثار سکایی به شکل هنر جانورنگاری دیده شده است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۶۸) و اسلام از هنر رایج در جامعه بهره گرفته و آن طرح را پرداخته و به شکل اسلیمی‌هایی که امروزه می‌شناسیم، درآورده است. این تصاویر انتزاعی و طرح‌مایه‌های هندسی از خود اصالتی نداشته، به استعارات و پیام‌های الهی بازمی‌گردند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ص ۳). هنر اسلامی هنر توحید است و با هنر تجرید متفاوت است (الصایغ، ۱۹۸۸: ص ۱۲۶). این نظریه نه از جامعیت برخوردار است و نه از مانعیت. یعنی هنر اسلامی، نقشینه اسلیمی انتزاعی نیست و تمام نقش‌مایه‌های انتزاعی، اسلامی نیستند.

و) دیدگاه هنر مقدس

در این دیدگاه که برگرفته از استعارات و نمادها است، تناقضاتی وجود دارد. از یک سو عدم سازگاری عده‌ای از آثار با اعداد مقدس، اعتبار آنها را به زیر سؤال برده است؛ از سوی دیگر تلاقی استعارات و روایت‌خوانی نشانه‌گرا در آثار اسلامی، آنها را به آثار دیگر مکاتب همانند ساخته است. چراغ محراب که نشانه‌ای از نور خداوند سبحان معرفی شده (هیلن براند، ۱۳۷۷: ص ۵۴)، بیانگر مقام حلول است، نه تجلی؛ و قرار نگرفتن آن، در سردر مسجد زیر گنبدگاه بر تناقض این اندیشه افزوده است. شباهت محراب با حفر یهودی (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۹۵)، شباهت کعبه با تابوت عهد و عدم هماهنگی چهارسویه کعبه با جهات جغرافیایی (همان: ص ۱۸) مشکلات ویژه‌ای را در این زمینه به وجود آورده، تا آنجا که عدم انسجام اعداد مقدس در مسجدالحرام در برخی گزارش‌ها،

مایه ضعف اعتباری آن در برابر مسجدالأقصی تلقی شده است. بنابراین مشاهده می‌شود که نه تنها این نظریه جامع و مانع نیست، حتی نمی‌تواند تناقض درونی خویش را برطرف سازد.

ز) دیدگاه هنر با محتوای دینی

پذیرفتن هنر اسلامی به عنوان هنری با محتوای دینی، منجر به پذیرش تمام صور هنری به عنوان پیام‌رسانی و پذیرش شمایل‌نگاری در مساجد و ابنیه مذهبی است. به عبارتی دیگر، براساس این نگرش باید بتوانیم تصویر حضرت علی (ع) را در مسجد نصب کنیم. این در حالی است که طرفداران این روش به تناقض این نگاه با سیره پیامبر اکرم (ص)^۱ اذعان دارند. تناقض دیگری که وجود دارد این است که آثاری که در یک سبک گنجانده می‌شود، گاهی برخی از آنها دارای موضوعات مذهبی هستند و برخی نه؛ همانند آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای^۲ که شامل موضوعات ملی، حماسه‌ای و مذهبی هستند و از دوره قاجار در ایران رواج یافت (پاکباز، ۱۳۸۵/ب: ص ۲۰۱). اینجا این سؤال به وجود می‌آید که آیا قسمتی از آنها که موضوع مذهبی دارند را باید جزو آثار اسلامی و قسمتی که موضوعات حماسی دارند را هنری غیراسلامی و ملی تلقی کرد؟ هرچند آثار نامناسب چنین نگرشی به هنر اسلامی مبرهن است، لکن تلاش متفکران معتقد به این روش، فواید بی‌شماری را در راستای توسعه مبانی هنر اسلامی به همراه داشته است. این نگاه نیز در عین حال که جامع است، مانع نیست.

۱. در خبر است که پیامبر اکرم (ص) برای نماز به مکانی رفتند که پرده‌ای با نقش جانداران در آن آویخته شده بود. پیامبر فرمودند آن پرده را بردارند. البته کاملاً مشخص است که ایشان، فاقد نیروی تمرکز نبودند و این مهم را به عنوان یک اصل اسلامی ابراز داشته‌اند. بورکهارت در ذیل این روایت در یک عقب‌نشینی آشکار از مواضع قبلی خود می‌گوید: معلوم می‌شود که بعضی از انواع هنر، با نیایش اسلامی سازگار نیست (بورکهارت، ۱۳۶۵: ص ۹۵).

۲. این گونه نقاشی که آمال و علائق ملی، اعتقادات مذهبی، روح و فرهنگ خاص لایه‌های میانی جامعه شهری را باز می‌تابد، پدیده‌ای جدیدتر از سایر قالب‌های نقاشی عامیانه بود. داستان‌های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، وقایع کربلا، قصه‌های قرآن و حکایت‌های عامیانه، موضوع‌های اصلی این نقاشی‌ها را تشکیل می‌دهند (پاکباز، ۱۳۸۵/ب: ص ۲۰۱).

ح) دیدگاه هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- نگاه اجتماعی: نگاهی است که هنر اسلام را شامل همه نظریات و یا تعدادی از عناوین فوق می‌کند و این در حالی است که گونه‌گونی دستورات و برنامه‌های ارائه شده علی‌رغم جامعیت، از مانعیت برخوردار نیستند.

۲- نگاه اشتراکی: در این نگاه، صفات و ویژگی‌های مشترکی برای آثار هنر اسلامی ارائه می‌شود. البته بسیاری از گروه‌های فوق هیچ جنبه اشتراکی با یکدیگر ندارند، لذا این تعریف نیز علی‌رغم مانعیت، از جامعیت برخوردار نیست. در هر صورت تلاش این گروه از دانشوران، حاصل حرکت نمودگرایانه در بازتعریف هنر اسلامی است، با شرایطی که تمامی موارد را شامل شود؛ که این تلاش به‌خودی‌خود به ابهام و واگرایی تعریف‌های هنر اسلامی دامن می‌زند.

ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع	ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع
۱	هنر سرزمینهای اسلامی	نیست	نیست	۵	هنر هندسی و تجربیدی	نیست	نیست
۲	هنر مسلمانان	نیست	نیست	۶	هنر مقدس	نیست	نیست
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	نیست	است	۷	هنر با محتوای دینی	است	نیست
۴	هنر عربی	نیست	نیست	۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	است	نیست
					هنر اسلامی شامل همه موارد	نیست	است

جدول شماره ۱: تحلیل و طبقه‌بندی نظریه‌های توصیف‌کننده هنر اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

۲- چستی هنر اسلامی

در بررسی‌ها و مطالعات هنر اسلامی دیده می‌شود که علی‌رغم تفاوت در تعریف، مثال‌ها یکسان است. هریک از متفکران در تعریف هنر اسلامی، نمونه‌های یکسانی را مورد استناد قرار داده‌اند، از جمله همگی به مساجد و تزئینات آنها، کتیبه‌های حکاکی شده یا قرآن‌های دست‌نویس به‌جامانده و... اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد تفاوت در تعریف‌ها، مانع از آن نشده که نمونه‌های مشترکی از سوی نویسندگان مختلف به‌عنوان هنر دینی معرفی شوند. به نظر می‌رسد تفاوت در برداشت‌ها و یا تعریف‌های ارائه‌شده، تنها در حوزه نظر و تئوری باقی مانده است و در عرصه عمل، نوعی شباهت و پیوستگی در میان نمونه‌های انتخاب‌شده از سوی اندیشمندان مشاهده می‌شود. تمامی این موارد نشان‌دهنده آن است که درک هنرمندانی که در این زمینه کار کرده‌اند، یک درک منسجم است. درک ایشان از هنر اسلامی، یک درک فطری است و این هنرمندان با تکیه بر فطرت خود در طول تاریخ، معنای صحیح هنر اسلامی را وجدان کرده‌اند. شباهت در نمونه‌های موردی ذکرشده در کتاب‌های مختلف تا آنجا پیش می‌رود که ممکن است در برخی از موارد، ضرورت پرداختن به موضوع را مورد سؤال قرار دهد؛ گویی تمامی هنرمندان در ضمیر ناخودآگاه خود معنای صحیح هنر اسلامی را می‌دانسته‌اند و آن چیز که در مجامع علمی مورد اختلاف است و نظرات متعددی بر آن ارائه شده، در مجامع تخصصی و عملی هنرمندان موضوعی بدیهی تلقی می‌شود.

مطالعات صورت‌گرفته مبین آن است که هریک از تعریف‌ها تا اندازه‌ای توانسته‌اند نشان‌دهنده چستی هنر اسلامی باشند، اما حقیقت امر آن است که هنر اسلامی کهن‌تر از تعریف‌هایی است که درباره آن ارائه شده است. به همین دلیل علی‌رغم تفاوت در تعریف، شباهت‌هایی را می‌توان در معرفی آثار برگزیده هنر اسلامی مشاهده کرد. لذا محققان باید به هنگام ارائه تعریفی از هنر اسلامی، با دقت نظر کافی به بیان هنر اسلامی پردازند و تنها جنبه‌هایی از آن آثار را مورد بررسی قرار ندهند، بلکه به شکلی همه‌جانبه تمامی زوایای این هنر توحیدی را مد نظر قرار دهند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های موجود در زمینه تعریف هنر اسلامی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این هنر، هنر سرزمین‌های اسلامی نیست، هرچند اغلب آثار هنری در دوران پایداری حاکمان مسلمان شکل گرفته است. هنر اسلامی، هنر مسلمانان نیست، زیرا ممکن است تمام کارهای یک فرد مسلمان، اسلامی نباشد. هنر برگرفته از نصوص دینی، صرفاً هنر اسلامی نیست. این تئوری با وجود اینکه مانع است، اما جامع نیست، زیرا لازم نیست تمامی مفاهیم در نصوص دینی جستجو شوند. این گرایش با محدود کردن دایره مفاهیم اسلامی، نوعی گرایش سلفی را موجب می‌شود. هنر اسلامی هنر عربی نیست، چراکه این کلام وحی است که مقدس است، نه خود زبان عربی. هنر هندسی و تجریدی هم نیست، چراکه جایگاه مفهوم و محتوا را در هنر اسلامی کم‌رنگ می‌سازد. همچنین هنر با محتوای دینی نیست، چراکه یک محتوای دینی لازم است با فرم دینی همراه شود. این دیدگاه مانع نیست، زیرا در آن صورت جایزه به کشیدن شمایل پیامبران و امامان در مساجد می‌شد. اگر هنر اسلامی را شامل تمامی تعریف‌های قبلی بدانیم، نوعی پاسخ مبهم ارائه کرده‌ایم که دیگر مانع نیست و براساس آن، هر هنری ممکن است اسلامی تلقی شود.

مطالعات صورت‌گرفته نشان‌دهنده آن است که هرچند هنر اسلامی را به‌طور دقیق نمی‌توان در قالب تعریف‌های فوق محدود کرد، هریک از تعریف‌های فوق تا حد قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی را توضیح می‌دهند. تعریف‌ها جامع و مانع نیستند، اما در هریک از آنها، تا حد قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. نکته قابل توجه آن است که برخلاف تنوع در تعریف‌های ارائه‌شده، نمونه‌های معرفی‌شده به‌عنوان هنر اسلامی، از نوعی شباهت خانوادگی برخوردارند. شباهتی که ممکن است اعضای یک خانواده، در عین تنوع و گونه‌گونی داشته باشند. تمامی این موارد نشان‌دهنده آن است که تعریف هنر اسلامی، یک تعریف شهودی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت هنر اسلامی، هنر توحید است. هنر هنرمندانی است که با تمام وجود خویش، مفهوم

هنر اسلامی را وجدان کرده‌اند و براساس آن هریک در شاخه‌ای که مهارت داشته‌اند، دست به هنرنمایی زده‌اند. تجلی مفهوم وحدت در کثرت و آثاری که با عنایت به مفاهیمی واحد، جلوه‌های گوناگون و متنوعی از آثار هنری را خلق کرده‌اند و با هنر خود جامعه‌های اسلامی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

ردیف	تعریف هنر اسلامی	رویکرد تعریف	موضوع مورد بحث
۱	هنر سرزمین‌های اسلامی	مکان ساخت اثر	جغرافیا و زمینه ساخت
۲	هنر مسلمانان	طراح و سازنده اثر	نیت و اعتقادات سازنده
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	متون حدیثی و نص قرآن مجید	تفسیر آیات و روایات
۴	هنر عربی	مبدأ شکل‌گیری اثر هنری	رابطه اثر با شبه جزیره عربستان
۵	هنر هندسی و تجربیدی	تکنیک و شیوه طراحی و ساخت اثر	ابزار و نحوه بیان اثر
۶	هنر مقدس	رمزگان و نمادهای فرمی و شکلی	شناسایی کاربرد تناسبات و اعداد مقدس
۷	هنر با محتوای دینی	عملکرد و تأثیرات اثر هنری	حیطه تأثیرگذاری اثر بر مخاطب
۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	با دو رویکرد اشتراکی و اجتماعی	شامل شدن تمامی موضوعات و یا سهم اشتراکی میان آنها

جدول شماره ۲: جدول تحلیلی نظریه‌ها، و رویکردهای نظری و عملی در تعریف هنر اسلامی

کتابنامه

۱. قرآن مجید
۲. آزادبخت، مجید. ۱۳۸۷. درک عمومی هنر (۲). تهران. کانون فرهنگی آموزش.
۳. اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار، ۱۳۸۷. هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند. تهران. سمت. چاپ اول.
۴. الصایغ، سمیر. ۱۹۸۸. الفن الاسلامی. بیروت. دارالمفرفه. (به نقل از دکتر زهره کاظمی)
۵. برند، باربارا. ۱۳۸۳. هنر اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران. مؤسسه مطالعات هنر اسلامی. چاپ اول.
۶. بورکه‌هات، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی، زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران. سروش. چاپ اول.
۷. _____ الف/۱۳۷۶. هنر مقدس. ترجمه جلال ستاری. تهران. سروش. چاپ دوم.
۸. _____ ب/۱۳۷۶. «ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی». ترجمه حسین نصر. مجموعه مقالات هنر معنوی. تدوین علی تاج‌دینی. تهران. مطالعات دینی هنر. چاپ اول.
۹. پاکباز، رویین. ۱۳۸۵/الف. دایره‌المعارف هنر. تهران. فرهنگ معاصر. چاپ پنجم.
۱۰. _____ ب/۱۳۸۵. نقاشی ایران: از دیروز تا امروز. تهران. زرین و سیمین.
۱۱. پرایس، کریستین. ۱۳۶۴. تاریخ هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران. علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
۱۲. پینگ، لیوجی. ۱۳۷۳. معماری اسلامی در چین. ترجمه مریم خرم. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
۱۳. جی. دوری، کارل. ۱۳۶۸. هنر اسلامی. ترجمه رضا بصیری. تهران. یساولی. چاپ دوم.
۱۴. رهنورد، زهرا. ۱۳۷۸. حکمت هنر اسلامی. تهران. سمت. چاپ اول.
۱۵. سوسور، فردینان دو. ۱۳۷۸. دوره زبان‌شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی. تهران. هرمس.
۱۶. کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید. ۱۳۸۰. ویلیام گلن و هنری مرین. ترجمه فاضل‌خان همدانی. تهران. اساطیر. چاپ اول.
۱۷. کونل، ارنست. ۱۳۵۵. هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران. توس.
۱۸. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران. سمت. چاپ اول.

۱۹. گیدیون، زیگفرید. ۱۳۸۳. فضا، زمان، معماری. ترجمه منوچهر مزینی. تهران. علمی و فرهنگی.
۲۰. مهدوی نژاد، محمد جواد. ۱۳۸۱. «هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید». هنرهای زیبا. شماره ۱۲.
۲۱. نصر، حسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران. دفتر مطالعات دینی هنر. چاپ اول.
۲۲. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۲. «ویژگی‌ها و مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی». نامه فرهنگستان علوم. شماره ۲.
۲۳. وایه، گاستون. ۱۳۶۳. هنر اسلامی در سده‌های نخستین. ترجمه رحمان ساوجی. گیلان. چاپ مسطح چاپخانه گیلان. چاپ اول.
۲۴. هسپرز، جان و اسکراتن، راجر. ۱۳۷۹. فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی. ترجمه یعقوب آژند. تهران. دانشگاه تهران.
۲۵. هیلن براند، رابرت. ۱۳۷۷. معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران. پردازش و برنامه‌ریزی شهری. چاپ اول.
26. Arnold, Sir Thomas. 1965. *Painting in Islam, a study of the place of pictorial art in muslim culture*. Dover publications.
27. Atasoy, Nurban & Babnassi, Afif & Rogers, Michel. 1990. *The Art of Islam*. nesco(text)_ Flammarion.(Publication).
28. Aston, Elaine & Savora, George. 1991. *Theatre as Sign-System: A Semiotics of Text and Performance*. London. Routledge Press.
29. Dictionnaire Encyclopedique Quillet. 1934. Authors: Aristide Quillet; Raoul Mortier; Editions Quillet, Publisher: libr. Aristide Quillet Paris.
30. Eliad, Mircea. 1987. *Encyclopedia of Religion (Vol 6)*. New York. MacMillan.
31. *Encyclopedia of World Art (Vol V.III)*. 1963. London. McGraw-Hill Book Company.
32. Graber, Oleg. 1987. *The Fromation of Islam Art*. New Haven and London. Yale University.
33. Grand Larousse Encyclopedique (En dix Vilumes) (Vol 6). 1962. Auge Gillon Endix Vilumes. Paris. Librairie Larousse.
34. Hoag, JohnD. 1979. *Islamic Architecture (Academy Editions)*. London. Faber and Faber & Elacta .

35. Koch, Ebba. 1991. Mughal Architecture. An Outline if Its History and Development 1526-1858. Prestel. New Delhi.
36. Pinder-Wilson, Ralph H. 1985. Studies in The Islamic Art. London.
37. The dictionary of Art, vol. 16, in Thirty Four Volumes, Edited by Jane Turner, 1996. Groves Dictionary Inc. New York.
38. Talbot rice, David. 1986. Islam Art. London. Thomes and Hudson Press (H&D) Vernoit. Vernoit, Stephen (Editor). 2000. Discovering Islamic Art; Scholars, Collectors and Collections 1850-1950. Publisher: I. B. Tauris.